

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

نظریه سازمان نگاه‌ها و چالش‌ها

(جلد دوم)

نویسندگان:

جان مکولی، ژوانی دبرلی و فیل جانسون

مترجمان:

دکتر حسن دانایی‌فرد

(دانشیار دانشگاه تربیت مدرس)

سید حسین کاظمی



نظریه سازمان؛ نگاه‌ها و چالش‌ها - جلد ۲

تألیف: جان مکولی، ژوانی دبرلی و فیل جانسون
ترجمه: دکتر حسن دانایی‌فرد، سید حسین کاظمی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

ویرایش ادبی: احسان مقصودی

صفحه‌آرایی و طراحی جلد: بابک حمیدیا

چاپ: ۱۳۸۹

شمارگان: ۲۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک:

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ص.ب، ۱۵۹-۱۴۶۵۵ تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: www.ketabsadiq.ir

این کتاب ترجمه‌ای است از:

McAuley John, Johnson Philip, Joanne Duberley; **Organization Theory: Challenges and Perspectives**; London; 2007

فهرست اجمالی

سختن ناشر.....	۴۲۱
فصل ۶- پست مدرنیسم به منزله یک فلسفه: چالش واپسین نظریه سازمان؟.....	۴۲۳
فصل ۷- نظریه سازمان بازاندیشانه: نمادها، معانی و تفسیرها.....	۴۹۱
فصل ۸- نظریه سازمان انعکاسی: نظریه انتقادی و روان کاوی؟.....	۵۶۹
فصل ۹- سیر تطور مدیریت از منظر نظریه سازمان مدرنیست.....	۶۵۱
فصل ۱۰- نگاهها و چالشها.....	۷۳۳
نمایه.....	۷۸۹

فهرست مطالب

سخن ناشر	۴۲۱
فصل ۶- پست مدرنیسم به منزله یک فلسفه: چالش واپسین نظریه سازمان؟	۴۲۳
مقدمه	۴۲۳
راه‌آورد‌های یادگیری	۴۲۴
ساختار فصل	۴۲۵
پست مدرنیسم چیست؟	۴۲۵
مثال: آب‌خوری دوشان	۴۲۶
مثال: مدرنیسم و شهرک‌سازی پورت - ایگو	۴۲۹
پست مدرنیسم: عناصر اصلی	۴۳۱
مثال: سازمان‌ها و تامارا	۴۳۱
پست مدرنیسم و نظریه سازمان	۴۳۳
پسا‌ساختارگرایی و پست مدرنیسم	۴۳۷
سه متفکر برجسته پست مدرنیسم	۴۳۸
ژاک دریدا: چرخش زبان‌شناختی و شالوده‌شکنی	۴۳۸
زندگی‌نامه	۴۴۰
ایده‌ها و نگاه‌ها	۴۴۱
فرایند شالوده‌شکنی	۴۴۲
مطالعه موردی	۴۴۵
درنگ و اندیشه	۴۴۶
'استفاده از شالوده‌شکنی در نظریه سازمان'	۴۴۷
مطالعه موردی	۴۴۸
نقد شالوده‌شکنی	۴۴۹
جی اف لیوتارد و ماهیت دانش	۴۵۱

ب □ نظریه سازمان؛ نگاه‌ها و چالش‌ها

۴۵۲	زندگی‌نامه
۴۵۳	درنگ و اندیشه
۴۵۵	مثال: فراروایت علمی
۴۵۷	فوکو: پست‌مدرنیسم، گفتمان، دانش و قدرت
۴۵۸	زندگی‌نامه
۴۵۹	مثال: دسترسی ویژه به حقیقت؟
۴۶۱	ایده‌ها و نگاه‌ها
۴۶۲	مثال: قدرت انضباطی در مراکز تلفن
۴۶۳	درنگ و اندیشه
۴۶۵	درنگ و اندیشه
۴۶۷	انتقاداتی بر فوکو
۴۶۸	فرهنگ سازمانی
۴۷۲	درنگ و اندیشه
۴۷۳	چالش‌های پست‌مدرنیسم برای نظریه سازمان
۴۷۴	بر هم ریختن علم متعارف [هنجاری]
۴۷۴	بر هم ریختن حقیقت
۴۷۵	بر هم ریختن بازنمایی
۴۷۶	بر هم ریختن نویسندگی
۴۷۷	مثال: انجام بازی‌های زبانی
۴۷۸	بر هم ریختن تعمیم‌پذیری
۴۷۹	پست‌مدرنیسم و روح نسبی‌گرایی
۴۸۰	مطالعه موردی
۴۸۱	درنگ و اندیشه
۴۸۱	نتیجه‌گیری
۴۸۱	چارچوب پایانی
۴۸۳	برای مطالعه بیشتر
۴۸۳	سوال‌هایی برای بحث
۴۸۵	منابع
۴۹۱	فصل ۷- نظریه سازمان بازاندیشانه: نمادها، معانی و تفسیرها
۴۹۱	مقدمه
۴۹۲	ره‌آوردهای یادگیری
۴۹۳	ساختار فصل
۴۹۳	بازاندیش بودن به چه معناست
۴۹۴	ایده‌ها و نگاه‌ها
۴۹۵	مثال: مدیر بخش سخن می‌گوید

فهرست مطالب □ ج

۴۹۷	کار کردن و تشریک مساعی با یکدیگر: تعامل‌گرایی نمادین
۴۹۸	ایده‌ها و نگاه‌ها
۴۹۹	«مکتب شیکاگو»
۵۰۱	فرایندهای خلق و به‌اشتراک‌گذاری معنا
۵۰۱	پیش‌فرض‌های بنیادین تعامل‌گرایی نمادین
۵۰۲	ایده‌ها و نگاه‌ها
۵۰۸	درنگ و اندیشه
۵۰۸	قوت‌ها و ضعف‌های فهم تعامل‌گرایی نمادین از سازمان‌ها
۵۱۱	پدیدارشناسی به دنیای عواطف دست می‌یابد
۵۱۱	ایده‌ها و نگاه‌ها
۵۱۲	مثال: اتاق در انتظار میهمانان مهمی است
۵۱۳	درنگ و اندیشه
۵۱۳	مطالعه موردی
۵۱۵	درنگ و اندیشه
۵۱۶	روش‌شناسی قومی: درک «شعور متعارف» سازمانی
۵۱۷	ایده‌ها و نگاه‌ها
۵۱۹	نمادگرایی سازمانی
۵۲۰	شیوه‌های فهم از «خود» افراد در سازمان‌ها
۵۲۱	خود: آفرینش نمایشی هنرمندانه
۵۲۱	زندگی‌نامه
۵۲۳	مثال: نشانه‌های خاص حسی و معین در یک جلسه
۵۲۴	کشاکش بر سر نحوه ارایه خود و قوانین سازمان
۵۲۴	مثال: «کارگر موهیکایی می‌تواند مجدداً به کار در فرودگاه مشغول شود»
۵۲۵	مثال: «استاد خوب» بودن
۵۲۷	درنگ و اندیشه
۵۲۷	شکل‌گیری هویت سازمانی
۵۲۷	مضمون ۱: نقش‌پردازی و نقش‌پذیری
۵۲۸	ایده‌ها و نگاه‌ها
۵۲۹	درنگ و اندیشه
۵۳۰	مثال: روان‌پزشکی که نقش‌پردازی می‌کند
۵۳۱	مضمون ۲: جامعه‌پذیر شدن نسبت به سازمان یا حرفه
۵۳۲	زندگی‌نامه
۵۳۴	درنگ و اندیشه
۵۳۵	مثال: توسعه رهبری
۵۳۶	مضمون ۳: کارراهه
۵۳۷	ایده‌ها و نگاه‌ها

د □ نظریه سازمان؛ نگاه‌ها و چالش‌ها

۵۳۸	مثال: برای شما چگونه بود؟
۵۴۰	درنگ و اندیشه
۵۴۰	مضمون ۴: قدرت نماد حرفه‌ای
۵۴۱	درنگ و اندیشه
۵۴۳	درک فرهنگ سازمان‌ها از طریق نمادها
۵۴۳	مقدمه - دو شیوه واکاوی فرهنگ
۵۴۳	شاعره فرهنگ‌ها
۵۴۶	مثال: نام‌های مستعار لطیفه مانند
۵۴۸	مطالعه موردی
۵۵۰	مطالعه موردی
۵۵۲	مذاکره معنا در طرح سازمان تأثیر می‌گذارد
۵۵۳	ایدئولوژی، لفاظی‌گری و مذاکره
۵۵۴	زندگی‌نامه
۵۵۴	ایده‌ها و نگاه‌ها
۵۵۶	درنگ و اندیشه
۵۵۸	پهنه‌ها و بازی‌ها
۵۵۸	مثال: قوانین بازی
۵۶۰	نتیجه‌گیری
۵۶۱	چارچوب پایانی
۵۶۲	برای مطالعه بیشتر
۵۶۲	سوال‌هایی برای بحث
۵۶۴	منابع

فصل ۸- نظریه سازمان انعکاسی: نظریه انتقادی و روان‌کاوی؟ ۵۶۹

۵۶۹	مقدمه
۵۷۰	ره‌آوردهای یادگیری
۵۷۱	ساختار فصل
۵۷۱	سیر تطور نظریه انتقادی به‌عنوان دیدگاهی چالشی در نظریه سازمان
۵۷۲	نظریه انتقادی به روایت مکتب فرانکفورت
۵۷۲	بعضی چهره‌های تأثیرگذار در پیدایش نظریه انتقادی
۵۷۳	ایده‌ها و نگاه‌ها
۵۷۷	زندگی‌نامه
۵۷۹	ایده‌ها و نگاه‌ها
۵۸۰	مثال: «سرقت اموال»
۵۸۱	درنگ و اندیشه
۵۸۱	مثال: از رهایی بخشی نسبی تا سرکوب

فهرست مطالب □ ه

۵۸۲	ایده‌ها و نگاه‌ها
۵۸۴	مطالعات انتقادی مدیریت: نظریه انتقادی، یا به نظریه سازمان و مدیریت می‌گذارد
۵۸۶	نظریه انتقادی و آرایه فهمی نو از «رویکرد علمی»
۵۸۷	«علوم روان»
۵۸۸	نزدیکی مدل‌های «علوم طبیعی» و «علوم روان»
۵۸۹	نظریه انتقادی و رهنمودهای سازمانی عملی آن
۵۹۰	مثال: نظریه انتقادی به‌عنوان نظریه‌ای در عمل
۵۹۲	سیر تطور روان‌کاوی به‌عنوان دیدگاهی چالشی در نظریه سازمان
۵۹۲	زندگی‌نامه
۵۹۴	بینش‌های روان‌کاوی به‌عنوان «نظریه‌ای عملی» به سازمان‌ها
۵۹۵	ایده‌ها و نگاه‌ها
۵۹۷	چالش روان‌کاوی برای سازمان‌ها
۵۹۷	چالش‌های عمده روان‌کاوی
۵۹۸	ایده‌ها و نگاه‌ها
۶۰۰	درنگ و اندیشه
۶۰۱	روان‌کاوی و نظریه انتقادی در عمل
۶۰۳	مطالعه موردی
۶۰۷	ایده‌ها و نگاه‌ها
۶۰۸	درنگ و اندیشه
۶۰۸	چالش‌های نظریه انتقادی و روان‌کاوی در مورد فهم ما از فرد، گروه و سازمان
۶۱۰	درنگ و اندیشه
۶۱۲	نقدی بر نظریه انتقادی
۶۱۳	درنگ و اندیشه
۶۱۳	نگاه‌های چالشی نظریه انتقادی و روان‌کاوی به فرهنگ
۶۱۴	دیدگاهی روانکاوانه از فرهنگ سازمان
۶۱۶	فرهنگ سازمانی «بیمار»: وقتی تعارض وجود دارد
۶۱۷	زندگی‌نامه
۶۱۷	فرهنگ سازمان بیمار: وقتی که تعارض کافی وجود ندارد
۶۱۸	ایده‌ها و نگاه‌ها
۶۱۸	مثال: سازمانی که به آبلین می‌رود
۶۲۰	درک هدف غایی سازمان و تثبیت آن در فرهنگ
۶۲۱	مثال: عقب‌گرد
۶۲۱	درنگ و اندیشه
۶۲۲	نگاه‌های چالشی نظریه انتقادی و روان‌کاوی در مورد طراحی سازمان
۶۲۴	درنگ و اندیشه
۶۲۴	طراحی برای افراد یا برای مزیت رقابتی استراتژیک؟
۶۲۵	اشتیاق به سازمان دموکراتیک

و □ نظریه سازمان؛ نگاه‌ها و چالش‌ها

۶۲۶	مطالعه موردی
۶۲۸	دموکراسی اجتماعی و سازمان دموکراتیک
۶۲۹	مثالی از آلمان
۶۳۰	مطالعه موردی
۶۳۱	مثالی از اسکانندیناوی
۶۳۳	مطالعه موردی
۶۳۴	دموکراسی، عقلانیت و قدرت
۶۳۴	مطالعه موردی
۶۳۷	درنگ و اندیشه
۶۳۷	نگاه روان‌پویشی نسبت به طرح سازمان - مرزبندی
۶۳۸	مطالعه موردی
۶۳۹	چالش نظریه انتقادی و روان‌کاوی نسبت به فهم ما از رهبری و مدیریت
۶۴۱	نتیجه‌گیری
۶۴۲	چارچوب پایانی
۶۴۳	برای مطالعه بیشتر
۶۴۵	سوال‌هایی برای بحث
۶۴۶	منابع

فصل ۹- سیر تطور مدیریت از منظر نظریه سازمان مدرنیست ۶۵۱

۶۵۱	مقدمه
۶۵۲	ره‌آورد‌های یادگیری
۶۵۲	ساختار فصل
۶۵۲	مفهوم‌سازی مدیریت
۶۵۴	خاستگاه‌های تاریخی و پیدایش مدیریت
۶۵۵	مثال: نخستین کارخانه دنیا
۶۵۷	تغییر فن‌آوری و سیستم کارخانه
۶۵۸	آیده‌ها و نگاه‌ها
۶۵۹	درنگ و اندیشه
۶۶۳	مثال: قوانین کارخانه‌های نخستین
۶۶۵	نقش مدیریت علمی
۶۶۹	زندگی‌نامه
۶۷۰	انقلاب مدیریتی و ریشه‌های مدیریت‌گرایی
۶۷۳	درنگ و اندیشه
۶۷۴	درنگ و اندیشه
۶۷۷	بازتعریف مدیریت‌گرایی
۶۷۹	مثال: مدیریت‌گرایی در عمل
۶۸۱	رهبری و مدیریت‌گرایی

فهرست مطالب □ ز

۶۸۵	ایده‌ها و نگاه‌ها
۶۸۷	شاعه بین نهادها: بخش دولتی انگلستان
۶۸۹	مدیریت دولتی جدید
۶۹۳	مثال: مدیریت‌گرایی و بوروکراتیک‌شدن - دانشگاه مک
۶۹۴	شاعه درون سازمان‌ها: نفوذ در کارکنان عادی سازمان
۷۰۲	دموکراسی سازمانی و طرحی علیه مدیریت‌گرایی
۷۰۴	دفاعیه کارایی اقتصادی بری دموکراسی سازمانی: چالشی برای مدیریت‌گرایی؟
۷۰۵	سرمایه‌داری ناپایدار
۷۰۷	از خودبیگانگی کارکنان؛ مسأله‌ای کلیدی
۷۱۳	مثال: آیا سازمان‌های دموکراتیک از لحاظ اقتصادی کاراتر هستند؟
۷۱۳	درنگ و اندیشه
۷۱۵	ایده‌ها و نگاه‌ها
۷۱۷	درنگ و اندیشه
۷۱۸	نتیجه‌گیری
۷۲۱	چارچوب پایانی
۷۲۲	برای مطالعه بیشتر
۷۲۲	سوال‌هایی برای بحث
۷۲۳	منابع
۷۲۳	فصل ۱۰- نگاه‌ها و چالش‌ها
۷۲۳	مقدمه
۷۲۳	ره‌آورد‌های یادگیری
۷۲۴	ساختار فصل
۷۲۴	مطالعه موردی
۷۲۵	مقایسه نگاه‌های مختلف
۷۳۶	نگاه مدرنیست
۷۳۷	نگاه نومدرنیست
۷۳۷	نگاه موج نو
۷۳۸	نگاه پست‌مدرنیسم
۷۴۰	نگاه بازاندیشانه
۷۴۰	نگاه نظریه انتقادی و روانکاوی
۷۴۱	نگاه مدیریت‌گرا
۷۴۲	بحث پارادایم
۷۴۸	ایده‌ها و نگاه‌ها
۷۴۹	استفاده عملی از نظریه سازمان
۷۵۳	درنگ و اندیشه
۷۵۵	روندهای جاری

ح □ نظریه سازمان؛ نگاه‌ها و چالش‌ها

۷۵۶	جهانی‌شدن.....
۷۵۷	آی‌ده‌ها و نگاه‌ها.....
۱۶۰	مطالعه موردی.....
۱۶۱	درنگ و اندیشه.....
۱۶۲	مطالعه موردی.....
۷۶۳	نظریه نهادی و نونهادی.....
۷۶۷	گفتمان.....
۷۶۹	زیبایی‌شناسی سازماندهی.....
۲۱۳	درنگ و اندیشه.....
۷۷۴	نگاه پایانی به فرهنگ سازمانی.....
۷۷۷	نتیجه‌گیری.....
۷۸۱	چارچوب پایانی.....
۷۸۲	برای مطالعه بیشتر.....
۷۸۲	سوال‌هایی برای بحث.....
۷۸۳	منابع.....
۲۸۹	نمایه.....

فهرست شکلها

- شکل ۱-۶: آب‌خوری دوشان. ۴۲۷.....
- شکل ۲-۶: پورت - ایگو و پایان مدرنیته ۴۳۰.....
- شکل ۳-۶: راهنمای زندان تمام دید جرمی بنتام، ۱۷۹۱..... ۴۶۲
- شکل ۱-۷: فرایندهای معناسازی - رویکرد تعامل‌گرایی نمادین. ۵۰۴.....
- شکل ۲-۷: خط سیری برای تغییر..... ۵۲۸
- شکل ۱-۸: معماری ارگانیک: مدرسه بازرگانی هاروارد، ۱۹۵۱..... ۶۲۳
- شکل ۲-۸: سرمایه‌داری پرخاشگر: بندر قناری، لندن. ۶۲۳.....
- شکل ۱-۹: کرامفورد میل در دهه ۱۹۳۰..... ۶۵۶
- شکل ۲-۹: تأثیرات لایه‌زدایی بر سلسله مراتب سازمانی..... ۶۹۶
- شکل ۱-۱۰: چهار پارادایم بارل و مورگان..... ۷۴۶
- شکل ۲-۱۰: رویکردهای متفاوت به تحلیل گفتمان در نظریه سازمان..... ۷۶۷
- شکل ۳-۱۰: اداره..... ۷۷۳
- شکل ۴-۱۰: برهم‌کنشی میان رویکردهای متفاوت نسبت به فرهنگ..... ۷۷۷

فهرست جداول

۴۲۳	جدول ۶-۱: مدرن‌نیسم در مقابل پست‌مدرن‌نیسم
۴۲۵	جدول ۶-۲: پست‌مدرن‌نیسم تأییدی در مقابل شک‌باور
۴۵۱	جدول ۶-۳: وضعیت متغیر دانش
۶۷۵	جدول ۹-۱: پرداخت و سود: عملکرد بلند مدت مدیران ارشد ۱۰۰ شرکت پرت‌بازار سهام انگلیس
۶۸۳	جدول ۹-۲: پنج مقوله اصلی رهبری تحولی
۷۱۰	جدول ۹-۳: ایده‌ها و نگاه‌ها: مقایسه از خودبینگانگی و هنجارگسیختگی
۷۵۱	جدول ۱۰-۱: دو نوع تولید دانش
۷۶۶	جدول ۱۰-۲: مقایسه انواع همشکلی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا

عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن مجید. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیه السلام ... مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود»
مقام معظم رهبری^۱

سخن ناشر

در عصر معاصر، علوم انسانی و اجتماعی به عنوان محور پیشرفت و سبب رشد تصاعدی فکر و اندیشه انسانی، ارتقای آگاهی‌های اجتماعی، ورود به سطح اول مسائل و مباحث جهانی، کسب مزیت‌های رقابتی پایدار و غیرقابل تقلید، کشف و طراحی مفاهیم نوین، راه‌های تازه، و ارتباطات شبکه‌ای بین آنها و در نهایت پیشگامی و پیشرویی شناخته می‌شود. در این بین، «موضوع سازمان» و رویکردهای مطرح در آن، مدخل مباحث حوزه‌های گوناگون در علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، حقوق و خاصه مدیریت است. از سوی دیگر، سازمان خود مفهومی «فراموضوعی» است که قدرت زایش، تولید و تکثیر

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(ع) مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۹.

دیدگاه‌های چندوجهی و چندسطحی را موجب می‌شود. «نظریه سازمان» مجموعه نگاه‌های کشفی، تحربی و بعضاً ذهنی به این موضوع را حمل نموده و جهت می‌بخشد. بدین جهت، دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در جهت تبیین دیدگاه‌های نوین و معاصر که «موضوع سازمان» را توضیح یا جهت می‌دهند اقدام به ترجمه و نشر کتاب «نظریه‌های سازمان؛ چالش‌ها و نگاه‌ها» نموده است. این کتاب دربردارنده رویکردهای متفاوت خبرگان علم مدیریت و سازمان است. همچنین هیئت و ساختار کتاب نیز به نوعی اجتماع رویکردهای متفاوت در این خصوص را تولی‌گری و نمایندگی می‌نماید که این هم خود مزیتی مضاعف برای فهم بهتر است. دانشگاه امید دارد با نشر این کتاب، ضمن ارتقای علم و دانسته‌های محققین و دانشمندان حوزه سازمان و آگاهی‌بخشی از فضای معاصر، بستر مناسبی جهت پیشبرد دانش این حوزه فراهم آورد.

و لله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

پست مدرنیسم به منزله یک فلسفه: چالش واپسین نظریه سازمان؟

مقدمه

چنانچه در فصل پیش بیان کردیم، از اوایل دهه ۱۹۸۰ «پست مدرنیسم» توجهات زیادی را از سوی اندیشمندان علوم اجتماعی به خود جلب کرده است. با این حال دشواری تعریف اصطلاح پست مدرنیسم هنوز هم به قوت خود باقی است. چنانچه گلنر^۱ (۱۹۹۲) عنوان می‌دارد، «به کلی معلوم نیست که پست مدرنیسم چه فتنه‌ای است. همانا باید گفت که شفافیتی در ویژگی‌های عنوان شده آن به چشم نمی‌خورد». در واقع کسی چون اومبرتو اکو^۲ (۱۹۸۹)، فیلسوف و رمان‌نویسی که خود عمدتاً به واسطه رمان زائر گل سرخ^۳، نویسنده‌ای پست مدرن شناخته می‌شود، در مورد پست مدرنیسم چنین می‌نویسد: «من بر این گمانم که [این اصطلاح] امروزه برای هر آنچه که استفاده کنندگانش بخواهند به کار گرفته شده است» (ص ۶۵). پست مدرنیست‌ها گروهی

1 - Gellner

2 - Umberto Eco

3 - The Name of the Rose

التقاطی هستند. بعضی دیگر از صاحب‌نظران عنوان می‌دارند که احتمالاً به تعداد پست‌مدرنیست‌ها، پست‌مدرنیسم وجود دارد (فیدرستون^۱، ۱۹۸۸، ۲۰۷).

در فصل پیش بر یکی از تفاسیر پست‌مدرنیسم متمرکز شدیم؛ این اندیشه که امروزه سازمان‌ها با نوعی فضای پست‌مدرن آکنده از تغییر و عدم اطمینان مواجه هستند. نویسندگانی نیز که در فصل پنج به آن‌ها پرداختیم تغییرات محیطی را برجسته می‌ساختند و در پی راه‌های جدید سازماندهی یا آشکال جدید سازمانی بودند. در این فصل تمرکز ما بر نظریه یا فلسفه پست‌مدرن است. این فلسفه ما را به یک موضع نظری جدید مجهز می‌کند که برپایه آن به معنابخشی جهان پیرامونمان پردازیم. بعضی دانشجویان درک این رویکرد را مشکل می‌یابند. تا حدی می‌توان گفت که این، نتیجه زبان بسیار پیچیده مورد استفاده پست‌مدرن‌هاست. همچنین باید گفت که این دشواری از آنجا افزون‌تر می‌گردد که پست‌مدرنیسم اشاره به پیکره وسیع و متنوعی از کارها دارد؛ آثاری که در آن‌ها پست‌مدرنیسم‌ها وجود یک موضع واحد صحیح را به نفع داشتن طیفی از نگاه‌ها رد می‌کنند و این امر نشان‌گر تأکید آن‌ها بر بی‌علاقگی نسبت به یک موضع خاص و عدم تعیین آن‌هاست. بنابراین در این رویکرد به تنوع بها داده شده‌است و این امر کاملاً بر ضد هرگونه اندیشه‌ای در مورد وحدت‌بخشی برداشت‌های مختلف در قالب یک تبیین واحد و جامع است.

هدف این فصل رفع بعضی از این ابهامات و تلاش برای روشن ساختن جریانات اصلی نظریه پست‌مدرن که در گذشته و حال در عرصه مطالعات سازمان به کار گرفته شده، می‌باشد.

ره‌آوردهای یادگیری

- شناسایی ویژگی‌های اصلی رویکردهای پست‌مدرن نسبت به فهم (فهمیدن).
- ارزشیابی سهم یاری نظری متفکرین برجسته پست‌مدرن.
- تحلیل تأثیر نظریه پست‌مدرن بر نظریه سازمان و مطالعه فرهنگ سازمانی در سال‌های اخیر.
- بحث در مورد چالش‌هایی که پست‌مدرنیسم برای آینده نظریه سازمان در پی دارد.

ساختار فصل

به‌منظور واکاوی پست‌مدرنیسم، این فصل به چهار بخش تقسیم شده‌است. اولین بخش به بررسی شکل‌گیری پست‌مدرنیسم پرداخته، عناصر اصلی آن را برمی‌شمرد و آن را از مدرنیسم متمایز می‌سازد. بخش دوم به بررسی کار سه تن از متفکرین اصلی یا «سه‌گانگان مقدس»^۱ پست‌مدرنیسم می‌پردازد. در این راستا ابتدا نظری به ژاک دریدا^۲ و کار او در مورد چرخش زبان‌شناسی-ساختی^۳ و شالوده‌شکنی^۴؛ سپس به ژان فرانسوا لیوتارد^۵ و نظری وی در ردّ فراروایت^۶؛ و نهایتاً میشل فوکو^۷ و کار وی در مورد قدرت، دانش و گفتمان^۸ می‌پردازیم. به‌هریک از این افراد به‌طور جداگانه خواهیم پرداخت، چراکه علی‌رغم این‌که پیش‌فرض‌های مشترکی دارند، اما کانون تمرکز کارهایشان نسبتاً متفاوت است. همچنین باید بگوییم که هدف ما در این فصل ارایه مروری جامع از کار این افراد نیست بلکه بیشتر به دنبال گلچین کردن عناصری از کار آن‌ها هستیم که در نظریه سازمان به‌کار گرفته شده‌اند. در بخش سوم به حوزه‌ای پای‌می‌نهیم که پست‌مدرنیسم تأثیر شگرفی بر آن داشته‌است. یعنی فرهنگ سازمانی. این مفهوم در فصول پیش نیز مطرح شد اما در اینجا رویکرد متفاوت پست‌مدرن‌ها به این موضوع را نشان خواهیم داد. نهایتاً نیز در بخش چهارم چالش‌های پست‌مدرنیسم برای آینده نظریه سازمان را از نظر خواهیم گذراند.

پست‌مدرنیسم چیست؟

ظاهراً نظریه پست‌مدرن در اروپای قاره‌ای^۹، به‌ویژه در فرانسه و آلمان پدیدار شده‌است. طبق گفته هنکوک و تایلر^{۱۰} (۲۰۰۱)، به‌نظر می‌رسد اصطلاح پست‌مدرنیسم نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم و به‌منظور توصیف اشکال مشخصی از هنر پیشرو^{۱۱} | آوانگارد | به‌کار گرفته

1 - Holy trinity
2 - Jacques Derrida
3 - Linguistic turn
4 - Deconstruction
5 - Jean Francois Lyotard
6 - Metanarrative
7 - Michel Foucault
8 - Discourse
9 - Continental Europe
10 - Hancock and Tyler
11 - Avant-garde art

شده است. چنانکه در فصل پیش عنوان شد، این اصطلاح در خلال دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رایج‌تر شد. باتلر^۱ (۲۰۰۲) مکعب مستطیل آجر چینی شده کارل آندره^۲، یعنی هم‌ارزی^۳ (۱۹۶۶) را نمونه‌ای از کار پست‌مدرن می‌داند. از آنجا که این اثر فاقد هرگونه وجهه ظاهری خاصی است، ما را براین می‌دارد تا به جای محتوا، جویای زمینه آن شویم؛ و پرسیم: «این اثر بر چه چیز دلالت دارد؟» بنابراین، مشابه کار آب‌خوری دوشان^۴ (کادر مثال زیر را ببینید)، این اثر نیز «پاسخ‌های ذهنی ما و آستانه تحمل‌مان را نسبت به کارهایی که یک گالری هنری می‌تواند ارائه دهد و توجه مخاطبینش را به‌همراه داشته باشد می‌آزماید» (باتلر، ۲۰۰۲، ۳). به عبارت دیگر ما را براین می‌دارد تا پرسیم: هنر چیست؟

مثال: آب‌خوری دوشان^۵

آب‌خوری مارسل دوشان که در شکل ۱-۶ آمده است حرکتی گسترده را در عالم هنر باعث شده است. این اثر نمونه‌ای از چیزی است که دوشان آن را یک «حاضر آماده»^۶ می‌نامد. «حاضر آماده‌ها» نشان‌گر تلاش دوشان برای خلق کارهای هنری از چیزهای غیر «هنری» است. ادعا شده است که این آثار تجاربی برای تحریک افرادی هستند که در تلاش‌اند تا از سنت هنری جدا شده و نوع جدیدی از هنر را ایجاد کنند که مشاهده‌کننده را به مشارکت و تفکر ترغیب می‌کند. اثر آب‌خوری برای نمایشگاهی که در جهت پیشبرد هنر پیشرو [اوانگارد] برپا شده بود و با نام مستعار آر. موت ارائه شد. این اثر شوخی زنده‌ای بود که برگزارکنندگان نمایشگاه را دست‌می‌انداخت. از نظر برخی از

1 - Butler

2 - Carl Andre's rectangular pile of bricks

۳- هم‌ارزی ۴ یکی از مشهورترین آثار هنری سبک هنری کمینه‌گرایی (minimalist) است که توسط کارل آندره خلق شده است. این اثر هنری یکی از هشت مکعب مجموعه هم‌ارزی است که کارل آندره آن‌ها را در سال ۱۹۶۶ به‌نمایش گذاشت. هر یک از این مکعب‌ها از ۱۲۰ آجر نسوز تشکیل شده است که در هم‌ارزی ۴ این ۱۲۰ آجر به شکل دو لایه و در قالب یک مکعب مستطیل شش در ده چیده شده‌اند. م

4 - Duchamp's fountain

چیزی که دوشان آنرا آب‌خوری (در ترجمه‌های فارسی به فواره و چشمه نیز برگردان شده است) می‌نامد در حقیقت یک کاسه توالت ادرار (urinal) است که آنرا نود درجه چرخانده است و بدین گونه برداشتی جدید در قالب یک آب‌خوری از آن ارائه داده است. م

۵- آب‌خوری دوشان غالباً تحت عنوان سوررئالیست [فراواقع‌گرایی] طبقه‌بندی می‌شود. این‌که این اثر امروزه بیشتر به‌عنوان اثری پست‌مدرن مورد بحث قرار می‌گیرد، نمونه‌ای جالب از این موضوع است که پست‌مدرنیسم در قالب طیف متنوعی از رویکردها و نگاه‌های متفاوت متجلی می‌شود.

6 - Ready made

آن‌ها، ایده معادل ساختن هنر با ادوات توالت بسی افراطی بودو اثر آب‌خوری در طول مدت نمایش «به‌عمد جابه‌جا شد / به‌گونه‌ای که از نظرها دور بماند!». بعدها دوشان از این اثر هنری در مقابل ادعاهای سرقت ادبی دفاع کرد و چنین پاسخ داد که: مهم نیست آقامی موت این کاسه توالت را ساخته باشد یا خیر؛ مهم این است که او این شیء را انتخاب کرده و مفهوم متعارف آن را تغییر داده است و اندیشه جدیدی را در مورد این شیء ایجاد کرده است!

اخیراً اثر آب‌خوری دوشان مورد اقبال قرار گرفته است و در فهرست ۵۰۰ اثر هنری از دید منتقدین در سال ۲۰۰۴ قرار گرفته است. طبق نظر سیمون ویلسون^۱، متخصص هنری، این اثر «نشان‌گر فرهنگ پویای هنر امروزی و این ایده است که فرایند خلاقیتی که در خلق اثر هنری دخیل است مهم‌ترین چیز است؛ خود اثر می‌تواند از هر چیزی و به هر شکلی ساخته شود» (بی بی سی نیوز، ۱۳ ژانویه ۲۰۰۴).



شکل ۱-۶: آب‌خوری دوشان.
(مأخذ: تیت، لندن، ۲۰۰۶).

هرچند عمدتاً تصور می‌کنیم که اصطلاح پست‌مدرن می‌بایست مرتبط با هنر و معماری باشد اما طبق نظر اندیشمند پست‌مدرن مدیریت، یعنی بویه^۲ (۱۹۹۹)، این اصطلاح از دهه ۱۹۶۰ به بعد در علوم طبیعی نیز دیده شده است. بست و کلنر^۳ (۱۹۹۷) که مروری جامع از شکل‌گیری علم پست‌مدرن بین رشته‌ای ارائه می‌دهند، عنوان می‌دارند که بسیاری از این تحولات و توسعه‌ها

1 - Simon Wilson
2 - Tate
3 - Boje
4 - Best and Kellner

حول محور نظریه آشوب و پیچیدگی^۱ شکل گرفته‌اند (به‌عنوان مثال کلییرز^۲، ۱۹۹۸ را ببینید). بنابراین چنین می‌توان گفت که پست‌مدرنیسم بیشتر فلسفه‌ای در عصر ماست که از حوزه‌های متفاوت بسیاری نشأت گرفته و بر حوزه‌های متفاوت بسیاری هم تأثیر می‌گذارد.

در فصل ۲ که در مورد مدرنیسم بحث شد، ما از گذرگاه پیدایش نظریه‌هایی که دنیای پیرامون ما را تبیین می‌کنند، روشن‌گری و تمایل به پیشرفت را مورد بحث قرار دادیم. یکی از مضامین مکرر در پست‌مدرنیسم ردّ روایت‌های «کلان^۳» یا «فرا^۴» روایت‌های مدرنیسم است (پارکر، ۱۹۹۲ را ببینید)، یعنی رد این امکان که می‌توان به ایجاد بنیانی عقلایی و قابل‌تعمیم برای تحقیق علمی پرداخت که عالم را از نقطه‌نظری عینی تبیین کند. به‌عنوان نمونه چنانکه در ادامه بحث خواهیم کرد، لیوتارد (۱۹۸۴) پست‌مدرنیسم را به‌عنوان «نوعی تردید نسبت به فراروایت‌ها» (ص xxiv) تعریف می‌کند و انسان‌شناس آمریکایی، دیوید هاروی (۱۹۸۹، ۱۰) اظهار می‌دارد که پست‌مدرنیسم مستلزم رد گزاره‌های فراگیری است که اعتبار ادعاهای حقیقت خود را فرض می‌پندارند. به‌خصوص لیوتارد (۱۹۸۴)، بومن (۱۹۸۹) و بارل (۱۹۹۷) به فراروایت «شکست خورده» روشن‌گری حمله می‌برند و ماهیت آن را به‌عنوان منشأ پیشرفت و رهایی‌بخش انسان، به‌وسیله کنترل عقلایی مبتنی بر دانش قابل‌اعتماد، زیرسوال می‌برند. از نظر لی-وتارد، ن‌سوید روشن‌گری برای رهایی‌بخشی بشریت از فقر و نادانی در اردوگاه‌های نازی و زندان‌های سیاسی سبیری استالینی^۵ به‌خاک سپرده شد. همانا بومن و بارل هر دو چنین عنوان می‌کنند: بدین سبب که نازی‌ها شدیداً متکی بر ایده‌های مدرنیستی چون عقلانیت و بوروکراسی بودند (چنانکه در فصل ۲ بحث شد)، مشکل می‌توان این ایده‌آل‌های مدرنیته را ضامن وعده مدرنیسم برای دنیای بهتر دانست. در این راس-تا از ن-ظر پست‌مدرنیست‌ها پ-یشرفت و رهای-ی‌بخشی افسان-ه‌هایی خودتوجیه‌گر^۶ هستند، به‌مانند توهمات-ی که خود بر پای-ه فراروایتی دیگر بنا شده‌اند. با این حال باید خاطر نشان ساخت که این ایده اخیراً از مناظر متعددی مورد تردید قرار گرفته است، نه تنها از باب معادل پنداشتن فریبنده مدرنیته با تمام-یت‌خواهی، بلکه از باب تردیدهای معطوف به‌ای-ن که رژیم نازی کاملاً به شیوه‌های

1 - Chaos and complexity theory

2 - Cilliers

3 - Grand

4 - Meta

5 - Stalinist gulags

6 - Self-legitimizing

بوروکراتیک عمل می‌کرده‌است (روینسون و کارتر^۱، ۲۰۰۲).

رد فراروایت‌ها بدین معناست که این فصل، به‌مانند آنچه در فصول پیشین دیدیم عمل نخواهد کرد و به ارایه مدل‌های جدید اشکال سازمانی یا نظریه‌های سازمان نخواهد پرداخت. در عوض در این فصل به فلسفه پست‌مدرن خواهیم پرداخت، فلسفه‌ای که بیشتر معطوف به نقد و شالوده‌شکنی نظریه‌های موجود است، تا ساخت نظریه‌های جدید. بدین روی از بعضی جهات پست‌مدرنیسم را به‌عنوان مخالفت مستقیم با مدرنیسم تعریف کرده‌اند. باین‌حال چنین می‌توان گفت که انتقادات ارایه شده پست‌مدرنیست‌ها ممکن است تا حدودی شبیه به شرحی کاریکاتوری از شیوه‌های عمل‌کرد فرهنگی و نظری مدرن باشند. به‌عنوان مثال، هاروی با تشبیه و یکسان‌نمایی اشکال بسیار متنوع معماری مدرن به پروژه‌های شهرک‌سازی افضحی چون پورت - ایگو^۲ (کادر مثال زیر را ببینید) مخالف است و خاطر نشان می‌سازد که فراروایت‌هایی که توسل پست‌مدرنیست‌ها تقبیح شده‌اند بسی گسترده‌تر، مفصل‌تر و پیچیده‌تر از آنی هستند که منتقدین معتقد هستند (هاروی، ۱۹۸۹، ۱۱۵).

مثال: مدرنیسم و شهرک‌سازی پورت - ایگو

پروژه شهرک‌سازی پورت - ایگو که دولت فدرال سنت‌لوییس سرمایه‌گذار آن بود در سال ۱۹۵۱ توسط دو تن از معماران سنت‌لویسی به نام‌های جورج هلموت و مینورو یاماساکی^۳ طراحی شد. چنین تصور می‌شد که این پروژه پیشانی معماری مدرنیست است؛ یعنی بلند بالا، «طراحی شده برای تعامل» و راه حلی برای مشکلات توسعه و نوسازی شهری در اواسط قرن بیستم. این پروژه توسط متخصصین طراحی شده بود و به‌عنوان تقدیر مدرنیست از دانش برتر به‌جامعه ارایه شده بود. پروژه پورت - ایگو در سال ۱۹۵۴ آغاز شد و در ۱۹۵۶ به‌انجام رسید. در مجموعه شامل ۳۳ ساختمان ۱۱ طبقه‌ای در محوطه‌ای ۳۵ جریبی بود. اما باین‌حال مورد اقبال واقع نشد و به‌زودی ساکنین فریاد شکایت از موش‌ها، سوسک‌ها، آسانسورهای خراب، نرخ جریمه‌های بالا و همانند این‌ها سردادند. استاد جامعه‌شناسی، لی رینواتر^۴، در سال ۱۹۷۰ در کتابش تحت عنوان پشت دیوارهای شهرک^۵؛ پورت - ایگو را «زاعه‌نشینی ساخته و پرداخته دولت» خواند و آن را

1 - Rowlinson and Carter

2 - Pruitt-Igoe

3 - George Hellmuth and Minoru Yamasaki

4 - Rainwater

5 - Behind Ghetto Walls

محکوم کرد. مطالعه وی که شکست این پروژه شهرک‌سازی را فاش ساخت اشاره به مکان‌های خالی، جرم و جنایت، دغدغه‌های امنیتی و خرابی فیزیکی این مجموعه داشت که چندان بهتر از دیگر مجموعه‌های شهرک‌سازی دولتی کشور نبودند. نخستین ساختمان از مجموعه پورت - ایگو در ۱۶ مارچ ۱۹۷۲ در ساعت ۱۵:۲۳ دقیقه تخریب شد و این، همان زمانی است که معمار آمریکایی، چارلز جنکز آن را ندای اعلام شروع عصر پست‌مدرن می‌داند. شکست پورت - ایگو نشان‌گر بسیاری از شکست‌های اندیشه مدرنیست و راه‌حل‌های مبتنی بر فناوری نوین برای مشکلات اجتماعی (طرح‌ریزی عقلایی بر مبنای مدل‌های عینی‌گرایانه از رفتار انسان) است.



شکل ۲-۶: پورت - ایگو و پایان مدرنیته
(مأخذ: بتمن/کوربیز)

پست‌مدرنیسم: عناصر اصلی

علی‌رغم وجود ابهامات فراوان، چهار گزاره اصلی در نظریه پست‌مدرن مشخص شده‌اند

-
- 1 - Charles Jencks
 - 2 - Bettmann/Corbis

- (هنکوک و تایلر، ۲۰۰۱). ما این عناصر را به زبان ساده و به شکل زیر ارائه کرده‌ایم:
- ۱- ما نمی‌توانیم فرض کنیم که چیزی مانند عقل محض وجود دارد یا این‌که با کسب دانش بیشتر نسل بشر لزوماً پیشرفت خواهد کرد.
 - ۲- همانا زبانی که به کار می‌بریم آنچه را درک کرده و حس می‌کنیم شکل می‌دهد. این زبان ما را به چارچوبی مجهز می‌سازد که به وسیله آن دنیا را درک کرده و بدان معنا می‌بخشیم.
 - ۳- چیزی به عنوان دانش محض وجود ندارد. آنچه می‌بینیم و آنچه می‌دانیم برپایه زمینه‌ای که در آن فعالیت می‌کنیم و زبانی که در دسترس ماست، می‌باشد.
 - ۴- باید درک کنیم که نظرات متفاوت بسیاری از هر وضعیت وجود دارند و می‌بایست تلاش کنیم تا دیدگاه‌های متفاوت را دریابیم، به ویژه دیدگاه‌های افراد کم‌قدرت‌تر را. کسانی که ممکن است به طور عادی فرصت ارائه دیدگاه‌هایشان را به دست نیاورند.
- اهمیت این گزاره‌ها برای درک پست‌مدرنیسم کلیدی است و چنانکه در بخش‌های بعد خواهیم دید، این گزاره‌ها در کار نویسندگان مختلف پست‌مدرن نفوذ کرده‌اند.

مثال: سازمان‌ها و تامارا^۱

نمایش نام‌های در هالیوود به نام تامارا به اجرا درآمد که نسبت به تئاترهای کلاسیک، مخاطبین را در موضع بسیار متفاوتی قرار داد. در تامارا (پراجرترین نمایش لس‌آنجلس)، دوازده شخصیت مختلف، داستان‌های خود را در حضور مخاطبینی که در حال حرکت و گاه در حال دوییدن هستند ارائه می‌دهند. تامارا داستانی واقعی و برگرفته از خاطرات روزانه آلیز مازویر است. این داستان در ۱۰ ژانویه ۱۹۲۷ در ایتالیا، قلمرو موسولینی آغاز می‌شود. گابریل دانونزیو؛ شاعر، میهن‌پرست، زن‌پرست و انقلابی دواتشه‌ای که شهرت بسیار زیادی میان مردم دارد تحت بازداشت خانگی است. تامارا یک لهستانی ترک‌وطن کرده، زیبا، نجیب‌زاده و هنرمندی خوش‌قریحه است و از پاریس برای نقاشی چهره دانونزیو فراخوانده شده‌است. در این نمایش مخاطبین به جای دیدن یک صحنه نمایش ثابت و واحد، به گروه‌های کوچکی تقسیم می‌شوند که شخصیت‌های نمایش را از اتاقی به اتاق دیگر دنبال می‌کنند، حتی به اتاق خواب‌ها، آشپزخانه‌ها و دیگر اتاق‌های آنان می‌روند تا داستان‌هایی که بیشتر از همه به آن‌ها علاقه دارد را دنبال کرده و در ساخت آن‌ها مشارکت کند. اگر دوازده سن و دوازده راوی وجود می‌داشتند، تعداد داستان‌هایی که یک مخاطب می‌توانست

آن‌ها را در گفت‌وگوهای سرگردان تامارا دنبال کند به ۱۲ فاکتوریل (۱۶۰۰۱۶۰۰=۴۷۹۰۰!) می‌رسید. از آنجایی که نمایش هم‌زمان و شامل شخصیت‌های مختلف در اتاق‌های مختلف و طبقات متفاوت است، هیچ‌یک از مخاطبین نمی‌تواند همه داستان‌ها را هم‌زمان دنبال کند. در این نمایش هر یک از مخاطبین «گذرنامه‌ای» به منظور مراجعات مجدد بعدی دریافت می‌کند، مراجعاتی که بارها و بارها تکرار می‌شوند؛ بدین قصد که بتوان هرچه بیشتر شبکه‌های به‌هم‌تنیده این داستان‌ها را کشف کرد. تامارا با یک بار دیدن قابل درک نیست، حتی اگر دو نفر در یک اتاق باشند - و هر دو در توالی اتاق‌ها و شخصیت‌های متفاوتی به این اتاق رسیده باشند - ممکن است هر یک از آن‌ها با داستان‌های کاملاً متفاوتی از این اتاق خارج شود (بویه، ۱۹۹۵).

بویه از تامارا به عنوان استعاره‌ای برای سازمان استفاده می‌کند و نشان می‌دهد که به چه ترتیب معانی رویدادها، به مکان واقع در آن، توالی قبلی داستان‌ها و دگرگونی شخصیت‌ها در گفتمانی سرگردان بستگی دارد. بنابراین به عنوان مثال، هر چند ممکن است مدیران با یکدیگر در یک نشست حضور داشته باشند، اما تفاسیر و دیدگاه‌های آنان ممکن است به واسطه تعاملات و تجربیات قبلی آنان بسیار متفاوت باشد. هر یک از ما تنها می‌توانیم دیدی جزئی و مختص بافت خود از هر وضعیت خاص به دست آوریم.

جدول ۱-۶ تحلیلی گذرا و کلی از تفاوت‌های میان مدرنیسم و پست‌مدرنیسم ارائه می‌دهد. تقریباً ارایه هر دو رویکرد بدین شیوه معمول است. با این حال، ارایه چنین جدولی که مبتنی بر تقابلهای دوگانه^۱ باشد، چنانکه بعداً خواهیم گفت، به هیچ وجه هم‌سو با رویکرد پست‌مدرن‌ها نیست. بنابراین این جدول (و دی-گرانی که از ت-قابل دوگانه استفاده می‌کنند) می‌بایست علامت هشدار نیز به همراه داشته باشد. با ارایه مدرنیسم و پست‌مدرنیسم در قالب تقابلهای دوگانه، ایجاد تمایزات روشن میان این دو آسان است (و الب-ته پست‌مدرنیست‌ها احتمالاً چنین خواهند گفت که یکی از این تقابلهای برتر از دیگری دیده می‌شود). اما در واقعیت موضوع بسیار پیچیده‌تر از این است. شاید بهتر این باشد که هر یک از عناصر را همانند یک پیوستار در نظر گرفت و برای نکته واقف شد که یک نویسنده خاص یا یک پژوهش خاص ممکن است بر روی نقاط مختلفی از پیوستارهای هر یک از این عناصر قرار گیرد و در برخی به سمت مدرنیست و در برخی جهات به پست‌مدرنیست گرایش داشته باشد.

جدول ۱-۶ مدرنیسم در مقابل پست‌مدرنیسم

پست‌مدرنیته	مدرنیته
اختلاف	اجماع
چندگانگی	جهان‌شمولی
محلی شدن و زمینه‌ای شدن	تعمیم‌پذیری
تنوع	تمامیت داشتن
ناپایداری	ثبات
در پی تفاوت	سرکوب تفاوت
سیاست خرد	سیاست کلان
حاشیه‌مدار	مرکز‌مدار
عدم پیوستگی‌ها	پیوستگی‌ها

مأخذ: برگرفته از اینگلیش^۱ (۱۹۹۸، ۴۳۳)، اصل در بست و کلنر (۱۹۹۷).

پست‌مدرنیسم و نظریه سازمان

چنانکه در مقدمه این کتاب گفته شد، نظریه سازمان رشته علمی نسبتاً جوانی است که به سرعت در حال توسعه است. پست‌مدرنیسم از اواخر دهه ۱۹۸۰ به بعد و با انتشار مجموعه مقالاتی در مجله مطالعات سازمان^۲ توسط رابرت کوپر و گیسیون بارل (بارل، ۱۹۸۸؛ کوپر، ۱۹۸۹؛ کوپر و بارل، ۱۹۸۸) به تدریج توجه بیشتری از سوی نظریه‌پردازان سازمانی را به خود جلب کرده است. این امرنومیدی زیادی را نسبت به -مواضع اثبات‌گرایانه درمورد مطالعه سازمان‌ها و پیش‌فرض‌های کارکردگرایانه‌ای که نظریه سازمان بر آن‌ها استوار بود باعث می‌شد. بدین ترتیب دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شاهد شکل‌گیری رویکردهای تفسیری^۳ و ساخت‌گرایشی اجتماعی^۴ نسبت به مطالعه سازمان‌ها بودند (فصل ۴ را ببینید). همچنین هنکوک و تایلر (۲۰۰۱) به رادیکال شدن^۵ در حال افزایش نظریه سازمان به واسطه کارهای نویسندگان چون بارل

1 - English
2 - Organization Studies
3 - Interpretive
4 - Social constructivist
5 - Radicalization

(۱۹۸۰) و کَلگ و دانکرلی^۱ (۱۹۸۰)، که اهمیت در نظر گرفتن قدرت در تحلیل سازمان‌ها را مطرح کردند، اشاره می‌کنند.

این پیشینه بدین معناست که مطالعات سازمان زمینی مستعد برای شکل‌گیری یک رویکرد جدید بوده‌اند. به‌رغم این‌که بعضی عنوان داشته‌اند که اندیشمندان حوزه سازمان در این زمینه از مُد روز تقلید کرده‌اند تا به‌ظاهر پایه‌پای بقیه حرکت کنند (آلوسون، ۱۹۹۵) و بعضی دیگر نیز سطح تنوع واقعی این رشته را زیر سوال برده‌اند (رید، ۱۹۹۶)، اما اغلب صاحب‌نظران براین توافق دارند که پست‌مدرنیسم چالش‌های عمده‌ای را برای نظریه سازمان دربردارد.

هر چند اخت-لاف‌های فراوانی میان نوی-سندگان مختلف پست‌مدرن وجود دارد اما برخی مفسرین این نویسندگان را در دو گروه طبقه‌بندی می‌کنند، که نام‌های مختلفی گرفته‌اند: نرم و سخت^۲ (واتسون، ۱۹۹۳؛ نقل شده در پارکر، ۱۹۹۵) یا شک‌باور و تأییدی^۳ (روزناو^۴، ۱۹۹۲). طبق نظر نظریه‌پرداز آمریکایی، روزناو، پست‌مدرن‌های شک‌باور انتقاد سختی بر مدرنیسم وارد می‌کنند. آنان دیدی بدبینانه دارند و عنوان می‌دارند که عصر پست‌مدرن عصر پاره‌پارگی، عدم انسجام، بی‌قراری و بی‌معنایی است (جدول ۲-۶ را در این مورد ببینید). شک‌باوران، ضدبازنمایی^۵ هستند و می‌گویند که زبان مورد استفاده ما بیش از این‌که واقعیت را بازنمایی کند، آن را می‌سازد. بدین روی زبان خنثی نیست؛ بلکه کلماتی که ما برای استفاده در اختیار داریم نحوه تفسیر ما از امور را شکل می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر، چنانکه در ادامه مطرح‌خواهی‌م‌کرد، زبان، همه آن چیزی است که ما داریم؛ واقعیتی مجزا و خارج از حوزه زبانی که برای توصیف آن استفاده می‌کنیم، وجود ندارد.

در سوی دیگر تأییدگرایان هر چند با نقد شک‌باوران از مدرنیته موافقند، اما دیدگاهی امیدوارانه‌تر و خوش‌بینانه‌تر در مورد عصر پست‌مدرن ارایه می‌دهند. این نظریه‌پردازان از بسیاری جهات مشابه نظریه‌پردازان انتقادی هستند. روزناو (۱۹۹۲) عنوان می‌دارد که نویسندگان این نحله پست‌مدرنیسم، یا نسبت به اقدام مثبت سیاسی پذیرا و باز هستند و یا «پروژه‌های دورنگرانه^۶، نمایشی و شخصی‌غیرجرمی» (ص ۱۶) را به رسمیت می‌شناسند.

1 - Clegg and Dunkerley
2 - Hard or soft
3 - Sceptical and affirmative
4 - Roscnau
5 - Antirepresentational
6 - Visionary

در این رویکرد خوش‌بینی بیشتر و همچنین دغدغه‌ای معطوف به تغییر وضعیت موجود به جای نگاه کردن آن از موضعی شک‌باورانه وجود دارد. باید گفت که این دو گروه‌بندی به‌هیچ‌وجه مانع‌الجمع نیستند و هم‌پوشانی بسیاری میان آن‌ها وجود دارد. جدول ۲-۶ بر طبق کار روزنار، تفاوت‌های کلیدی و بعضی مشابهت‌های میان این دو رویکرد را مشخص می‌سازد.

جدول ۲-۶ پست‌مدرنیسم تأییدی در مقابل شک‌باور

شک‌باور	تأییدی	تفاوت‌ها
<p>درک جهان غیرممکن است، بنابراین تلاش برای ایجاد عل-الاجت-ماع پ-ست-م-درن بیهوده است. هیچ امیدی برای ایجاد یک نظریه سازمان جهان‌شمول وجود ندارد. جهان پاره‌پاره و تکه‌تکه است.</p>	<p>رویکرد نسبت‌به علم‌الاجتماع توصیفی است و نه تجویزی. پژوهش‌های مبتنی‌ی بر این دیدگاه توصیفی بر ابعاد غیرمعمول سازمان متمرکزاند و بر پایه بدع-ت و ان-ع-ک-اس-گری^۱ اس-اس-ت؛ پژوهش‌گران به در نظر گرفتن تأثیرشان بر فرایند پژوهش تشویق می‌شوند.</p>	<p>رویکرد نسبت‌به علم‌الاجتماع</p>
<p>نویسنده نفوذی اندک و هیچ‌گونه صلاحیتی ندارد. خوانندگان تفاسیر متفاوتی از آنچه نوشته شده است دارند و این تفاسیر به اندازه تفسیر نویسنده معتبر هستند. آگاهانه در جهت ایجاد نوعی «متن غیرقطعی آشفته» تلاش می‌شود، نوعی ابهام در مورد معنای این متن وجود دارد.</p>	<p>قدرت نویسنده را می‌کاهد اما کاملاً آن‌را حذف نمی‌کند. نقش نویسنده به‌عنوان نقش خُرد یک مفسر ادامه می‌یابد. نویسنده باید سعی کند در مورد نقشش در ساخت متن بازاندیشی^۲ کند.</p>	<p>نقش نویسنده</p>

1 - Reflexivity
2 - Reflect

تأییدی		شک‌باور
<p>در پی انتقاد و تجدیدنظر در شناخت‌شناسی و روش‌شناسی مدرنیست است. نسبی‌گرایی مطلق را رد می‌کند؛ بر حاشیه‌ها تأکید می‌کند و درون سازمان‌ها و جامعه را از نظر دور می‌دارد.</p>		<p>ضدبازنمایی‌گرایی. تعیین وضعیت جهان اجتماعی غیرممکن است. در افراطی‌ترین حالت این دیدگاه، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی - ای - ص - - رف - ا - فعالیت‌های لفاظی‌گرانه‌ای هستند. قادر به خلق نظریه نبوده و می‌بایست بر پایه جذابیت ادبی‌شان مورد قضاوت قرار گیرند. تلاش‌های معطوف به ساخت دانش جدید رد می‌شوند؛ در مقابل بر شالوده‌شکنی و نقد تمرکز می‌شود.</p>
شباهت‌ها		
نقش خواننده		
<p>متون پست‌مدرن بیشتر باز و کمتر قطعی (بسته) هستند. از خوانندگان انتظار می‌رود که معنای متون را برای خود استخراج کنند و بپذیرند که نتایجی که آن‌ها بدین گونه به آن دست می‌یابند ممکن است ارزش اندکی برای افراد دیگر داشته باشند. این باور وجود دارد که معنا، مختص یافت است.</p>		
جهت‌گیری سیاسی		
<p>نوشته‌های پست‌مدرن به لحاظ دورنی ناهمگن و متنوع هستند و دیدگاه‌های سیاسی خاصی را تجویز نمی‌کنند. اساساً آن‌ها نه راست و نه چپ هستند.</p>		

(روزناو، ۱۹۹۲).

با وجود این خوانندگان باید بدانند که همه پست‌مدرنیست‌ها در مورد این مضامین اصلی توافق ندارند. بعضی از آن‌ها ممکن است مواضع افراطی‌تری نسبت به بقیه داشته باشند - و این زیبایی (و البته قاتل!) پست‌مدرنیسم است - پست‌مدرنیست‌ها گروهی آمیخته از بسیاری

یاری‌رسانندگان متفاوت هستند که دیدگاه‌های بدیلی دارند. اما چنانکه در فصل ۲ بحث کردیم، همین حکم تا حدودی در مورد مدرنیسم نیز صادق است. به هر جهت باید گفت که اساس پژوهش پست‌مدرن بر محور میل به چالش کشیدن محتوا و شکل دانش، از طریق برهم‌زدن مرزهای رشته‌ای و صدا دادن به آن‌هایی است که در گفتمان‌های غالب صدایی ندارند است (ژیروکس^۱، ۱۹۹۲، ۵۶) به عبارت دیگر، پست‌مدرن مطالعات را بر حوزه‌هایی از سازمان‌ها متمرکز می‌کند که به صورت معمول بررسی نشده‌اند یا به کسانی معطوف می‌سازد که به حاشیه رانده شده‌اند. این موضوع در بخش‌های بعدی بیشتر مورد بحث قرار خواهد گرفت. اما در اینجا ابتدا بدین علت که هم‌پوشانی و اشتباه‌پنداری زیادی میان پست‌مدرنیسم و پساساختارگرایی^۲ وجود دارد، می‌بایست به موضوع بحث‌انگیز و گزنده رابطه میان این دو پارادایم بپردازیم.

پساساختارگرایی و پست‌مدرنیسم

در فصل پنج برخی از رویکردهای «پسا» را مد نظر قرار دادیم. در اینجا لازم و بسیار مهم است تا تمایز میان پست‌مدرنیسم و پساساختارگرایی را مد نظر قرار دهیم که البته این کار، آسان نیست. رابطه میان پست‌مدرنیسم و فلسفه پساساختارگرایی به طرق متفاوتی بیان شده است (به عنوان مثال بومن، ۱۹۹۲؛ کالاس و اسمیرچ، ۱۹۹۹ را ببینید). هچ (۱۹۹۷)، پست‌مدرنیسم را برآمده از جنبش پساساختارگرایی دهه ۱۹۶۰ می‌داند. باید گفت که میان این دو پیوندهای بسیاری وجود دارد.

کانون پساساختارگرایی، تمرکز بر زبان است. پساساختارگرایی، جهان اجتماعی را پیامد و محصول زبان می‌داند. به عبارت دیگر، از دیدگاه یک پساساختارگرا، تمایزاتی که ما درک می‌کنیم ضرورتاً واقعی نیستند بلکه توسط زبان مورد استفاده ما ایجاد شده‌اند. طبق نظر هنکوک و تایلر (۲۰۰۱)، این بدان معناست که پساساختارگرایی بنیانی فلسفی را برای به چالش کشیدن ادعاهای قطعی در مورد دانش - طبق مطالب منبخت در فصل ۲، که پایه جهان‌بینی مدرنیست را پی می‌ریزد - شکل می‌دهد. بدین ترتیب رابطه میان پست‌مدرنیسم و پساساختارگرایی رابطه‌ای پیچیده و تنگاتنگ است. بعضی نویسندگان هم به عنوان پست‌مدرن و هم پساساختارگرا شناخته می‌شوند و بعضی نیز فقط در قالب یکی از این دو گنجانده می‌شوند.

1 - Giroux

2 - Poststructuralism